

## بررسی رابطه بین بهره‌هوشی و تیپ‌های شخصیتی در دانشجویان

### در دانشگاه علوم پزشکی و تبریز

دکتر باقر وفائی\*

حسین دادش زاده

این موضوع که بعضی از تیپ‌های شخصیتی ممکن است در مقایسه با تیپ‌های دیگر از هوش نسبتاً بالایی برخوردار باشند، از مدت‌ها پیش به فکر روانشناسان خطور می‌کرد و حتی در اذهان عمومی نیز مطرح شدن این مسأله بعید به نظر نمی‌رسد. آیزنگ، روانشناس مشهور انگلیسی در توصیف خصوصیات روانی افراد درونگرا، آنها را دارای هوش بالاتری نسبت به افراد برونگرا ذکر می‌کند. چیزی که در این بررسی مورد نظر ما است اولاً رابطه میان بهره‌هوشی افراد و تیپ‌های شخصیتی، ثانیاً میانگین بهره‌هوشی هر کدام از تیپ‌های شخصیتی و ثالثاً ارتباط میان بهره‌هوشی و تیپ‌های شخصیتی دانشجویان بر حسب جنسیت آنان خواهد بود. آزمودنی‌های پژوهش متشکل از ۲۹۷ نفر دانشجوی بودند که بطور تصادفی از دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی تبریز و دانشگاه تبریز انتخاب شدند. به هر یک از آزمودنی‌ها هم تست هوشی ریون وهم تست شخصیتی آیزنگ داده شد و آزمودنی‌ها همزمان به هر دو تست پاسخ دادند. هر دو تست بر اساس نمره‌گذاری استاندارد ارزیابی شد و نتایج هر دو تست استخراج و سپس آزمون‌های آماری مجذور کای و تی بر روی آنها انجام گرفت. در این تحقیق، رابطه معنی‌داری میان بهره‌هوشی و تیپ‌های شخصیتی آیزنگ (درونگرایی - برونگرایی، نوروژ - ثبات هیجانی) در دانشجویان دختر و پسر یافت نشد. همچنین معلوم شد که دانشجویان درونگرا و برونگرا از نظر میانگین بهره‌هوشی تفاوت معناداری با همدیگر ندارند. این یافته‌ها ممکن است جالب به نظر رسند، اما اظهار نظر و قضاوت درباره خصوصیات روانی و رفتاری افراد مستلزم بررسی‌های بیشتری است و اصولاً ما نمی‌توانیم در چنین مواردی تنها به اجرای یک تست هوشی یا شخصیتی بسنده کنیم. لذا رسیدن به یک نتیجه قطعی بعنوان یک اصل علمی تنها در سایه پژوهش‌های بیشتر و با اعمال کنترل و وقت بیشتر امکان‌پذیر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: بهره‌هوشی؛ تیپ‌های شخصیتی؛ دانشجویان.

\* استاد یار روانپزشکی

• روانشناس بالینی، مربی گروه روانپزشکی

**مقدمه**

دو مقوله هوش و شخصیت از موضوعات بحث- انگیز روانشناسی هستند و علیرغم پژوهش های متعددی که در این حیطه ها انجام گرفته (۱) این گونه موضوعات دارای ابهامات فراوانی هستند. از زمانی که روانشناسی و علوم رفتاری ذهن بشر را بخود مشغول نموده است، این دو موضوع نظریات متعدد و گاه متضادی را به خود اختصاص داده اند (۱، ۲، ۳).

اما چیزی که در این بررسی مورد نظر محققین است، چیزی غیر از ماهیت و خصوصیات این دو مقوله روانشناختی است. موافقی لازم است که موضوعات علمی از هر نوعی که باشند، از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار گیرند. مثلاً دانستن خود این مسأله که یک موضوع علمی یا یک پدیده با چه موضوعات علمی دیگر در ارتباط بوده و از آنها تأثیر می پذیرد، شاید اهمیتش بیشتر از این باشد که ما فقط خود آن پدیده را شناسایی کنیم.

این موضوع که بعضی از تیپ های شخصیتی ممکن است در مقایسه با تیپ های دیگر از هوش نسبتاً بالایی برخوردار باشند، از مدت ها پیش به فکر روانشناسان خطور می کرده و حتی در اذهان عمومی نیز مطرح شدن این مسأله بعید به نظر نمی رسد. آیزنگ روانشناس مشهور انگلیسی در توصیف خصوصیات روانی افراد درونگرا، آنها را دارای هوش بالاتری نسبت به افراد برونگرا ذکر می کند (۲). به نظر آیزنگ، قدرت بیان عالی، دقت زیاد در کارها و محتاط بودن از جمله خصوصیات دیگر افراد درونگرا است که در واقع با بهره هوشی بالا همخوانی دارند. کارل گوستاو یونگ نیز افراد درونگرا را از نظر عوامل و عناصر ذهنی، برتر توصیف می کند (۲، ۴). آیزنگ افراد روان نژند را از حیث هوشی، تسلط بر نفس و نیز تمرکز حواس پایین تر از هر دو گروه دیگر یعنی درونگرا و برونگرا توصیف می کند (۲).

با این حال تحقیق علمی و سیستماتیکی که این موضوع را در سال های اخیر مورد بررسی قرار داده باشد، به چشم نخورد. از آنجا که به نظر می رسد نوع تیپ و صفات شخصیتی یک فرد در نحوه کارکردهای روانی از جمله توانایی های ذهنی وی، بی تأثیر نباشد، لذا تصمیم گرفتیم با انجام یک پژوهش علمی و عملی این موضوع را در بوته آزمایش قرار دهیم و ببینیم تا چه اندازه این دو ویژگی یعنی هوش و شخصیت با هم در ارتباط هستند. در این بررسی نقش جنسیت در شدت و ضعف ارتباط بین هوش و شخصیت نیز مورد بررسی قرار می گیرد. مسأله دیگری که در این بررسی مطرح است این است که ببینیم آیا ارتباطی میان توانایی های ذهنی و میزان ثبات هیجانی افراد مورد مطالعه وجود دارد؟ موضوع اخیر دارای اهمیت بهداشتی و اجتماعی بوده و می تواند بیانگر این باشد که برای داشتن افرادی کارآمد و مفید برای جامعه، باید به بهداشت روانی افراد بها دهیم.

**روش پژوهش**

سؤالات مطرح شده در پژوهش در قالب یک طرح مقطعی - همبستگی مورد بررسی قرار گرفتند. آزمودنی های پژوهش متشکل از ۲۹۷ نفر دانشجو بودند که بطور تصادفی از دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی تبریز و دانشگاه تبریز انتخاب شدند. برای ارزیابی بهره هوشی افراد از تست هوشی ریون بزرگسالان استفاده شد که به آن ماتریس های پیشرونده ریون نیز می گویند. ریون یک آزمون هوشی مستقل از فرهنگ بوده، مقیاس معتبری از هوش کلی بدست می دهد و اعتبار و پایانی آن با مقادیر بالایی گزارش شده است (۵، ۶، ۷، ۸).

برای ارزیابی خصوصیات و تیپ های شخصیتی از تست شخصیتی آیزنگ استفاده شده است. پرسشنامه شخصیتی آیزنگ<sup>۱</sup> یک تست قلم و کاغذی است که از ۵۷ سؤال درباره خصوصیات خلقی، رفتاری و شخصیتی تشکیل شده است. سه مقوله در پرسشنامه شخصیتی آیزنگ گنجانده شده است که عبارتند از مقیاس درونگرایی - برونگرایی، مقیاس نوروئیسیم - ثبات هیجانی و مقیاس دروغ سنجی. پرسشنامه شخصیتی آیزنگ اندازه معتبری از دو بعد شخصیت یعنی (برونگرایی - درونگرایی) و (نوروئیک - ثبات شخصیتی) بدست می دهد و از پایایی بالایی برخوردار است؛ اعتبار این تست توسط محققان مورد بررسی قرار گرفته و با مقادیر بالا گزارش شده است. در این بررسی که در واقع یک بررسی مقطعی می باشد، به هر یک از آزمودنی ها هم تست هوشی ریون و هم تست شخصیتی آیزنگ داده شد و آزمودنی ها همزمان به هر دو تست پاسخ دادند. هر دو تست بر اساس نمره گذاری استاندارد ارزیابی شده و نتایج افراد در هر دو تست استخراج و سپس آنالیز آماری بر روی آنها انجام گرفت. در تحلیل آماری انجام شده آنچه که مد نظر بود، ارتباط میان هوش و تیپ های شخصیتی آزمودنی ها و نیز مقایسه میانگین بهره هوشی در تیپ های شخصیتی و نیز مقایسه میانگین بهره هوشی در بین دو جنس دختر و پسر، بر اساس تیپ های شخصیتی آنان بود. برای یافتن رابطه میان تیپ های شخصیتی و بهره هوشی از آزمون مجذور کای و برای سایر جنبه ها بخصوص برای آزمون تفاوت میانگین ها از آزمون تی استفاده شد.

## یافته ها

در این پژوهش، اطلاعات حاصله از وضعیت هوشی و تیپ های شخصیتی تعداد ۲۹۷ نفر دانشجو مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. از این تعداد، ۱۶۰ نفر پسر (۵۶٪) و ۱۳۷ نفر دختر بودند (۴۶٪) و دامنه سنی آنها بین ۱۹ تا ۲۷ سال با میانگین سنی ۲۰/۸ سال و انحراف معیار ۲/۳۱ بود.

جدول ۱: رابطه میان بهره هوشی و درونگرایی - برونگرایی شخصیت در کل دانشجویان

| تیپ شخصیتی | بهره هوشی | برجسته | بالا تر از متوسط | متوسط |
|------------|-----------|--------|------------------|-------|
| درونگرا    | ۲۶        | ۱۱     | ۴                |       |
| برونگرا    | ۱۶        | ۶      | ۲                |       |
| متوسط      | ۱۳۱       | ۷۶     | ۲۵               |       |

$$(df=4, \chi^2=1/43, P>0/05)$$

بر اساس جدول ۱، آزمون مجذور کای نشان می دهد که بین سطح بهره هوشی و درونگرایی - برونگرایی شخصیت در کل دانشجویان رابطه معنی داری وجود ندارد.

1. EPI = Eysenck Personality Introversion

جدول ۲: رابطه میان بهره هوشی و ثبات - عدم ثبات هیجانی در کل دانشجویان

|             |                           |        |                 |       |
|-------------|---------------------------|--------|-----------------|-------|
| تیپ شخصیتی  | بهره هوشی                 | برجسته | بالاتر از متوسط | متوسط |
|             | عدم ثبات هیجانی (نوروتیک) | ۲۳     | ۱۷              | ۸     |
| ثبات هیجانی | ۱۵۰                       | ۷۶     | ۲۳              |       |

$$(df=2, \chi^2=3/34, P>0/05)$$

بر اساس جدول شماره ۲، ارتباط معنی داری بین بهره هوشی دانشجویان و سابقه نوروژ - ثبات شخصیتی آنها وجود ندارد.

جدول ۳: مقایسه میانگین بهره هوشی دانشجویان درونگرا و برونگرا

| گروهها  | میانگین | انحراف معیار |
|---------|---------|--------------|
| درونگرا | ۱۱۹/۶۰  | ۸/۷۰         |
| برونگرا | ۱۲۱/۴۰  | ۷/۱۵         |

$$(df=63, T=6.6, P>0/05)$$

مقدار تی محاسبه شده در جدول ۳ نشان می دهد که از لحاظ میانگین بهره هوشی، تفاوت معنی داری میان دانشجویان درونگرا و برونگرا وجود ندارد.

وقتی عامل جنسیت بعنوان یک متغیر تعدیل کننده وارد می شود و ارتباط تیپ های شخصیتی دانشجویان پسر و دختر بطور جداگانه با بهره هوشی آنان مطالعه می شود، باز هم ملاحظه می شود که رابطه معنی داری میان بهره هوشی دانشجویان و تیپ های شخصیتی درونگرا - برونگرا و نوروژ - ثبات شخصیتی آنان وجود ندارد و در همه موارد، مجذور کای محاسبه شده فراتر از سطح اطمینان ( $P>0/05$ ) قرار می گرفت.

## بحث

پژوهش حاضر به منظور یافتن رابطه ای میان تیپ های شخصیتی (درونگرایی - برونگرایی، نوروژ - ثبات هیجانی) و بهره هوشی در دانشجویان انجام گرفت.

چنین تفکری که ممکن است بین درونگرایی - برونگرایی شخصیت و میزان توانایی ذهنی افراد رابطه و همبستگی وجود داشته باشد، از نوشتجات روانشناس مشهور انگلیسی هانس. ج. آیزنگ قابل استنباط است (۲). اما در این بررسی (جدول ۱ و ۲) ارتباط معناداری میان تیپ های شخصیتی و میزان بهره هوشی در دانشجویان یافت نشد. مقدار مجذور کای محاسبه شده در حدی بود که حتی در سطح اطمینان ۹۰ درصد نیز دلالت بر وجود یک رابطه معنادار نمی نمود.

وقتی عامل جنسیت بعنوان یک متغیر تعدیل کننده وارد بحث شد، ارتباط تیپ های شخصیتی با بهره هوشی بطور جداگانه در دانشجویان دختر و پسر بررسی شد و رابطه معنی داری میان بهره هوشی و تیپ های درونگرایی - برونگرایی و نوروژ - ثبات هیجانی یافت نشد و در واقع مجذور کای محاسبه شده فراتر از سطح اطمینان لازم (۹۵٪) قرار می گرفت.

خصوصیاتی که آیزنگ برای افراد درونگرا توصیف می‌کند، از جمله قدرت بیان خوب، دقت کافی در کارها، محتاط بودن و خیال پرداز بودن، بیشتر با درجات بالای بهره هوشی همخوانی دارند (۹،۴،۲۰۱). گذشته از این‌ها، آیزنگ به نقل از سیاسی صراحتاً معتقد است که افراد درونگرا میزان هوششان بالا است (۲)، اما نتایج پژوهش حاضر چنین عقیده‌ای را تأیید نمی‌کند. در بررسی حاضر هر چند میانگین بهره هوشی در افراد درونگرا تا حدودی بالا بود (۱۲۱/۴۰ در مقابل ۱۱۹/۶۰)، اما این تفاوت، در تحلیل آماری معنی‌دار محسوب نشد (جدول ۳).

البته این واقعیت که شخصیت انسان هرگز نمی‌تواند کاملاً از هوش وی مستقل بوده و تأثیری نپذیرفته باشد، از بدیهیات علم روانشناسی است، اما به نظر می‌رسد که شخصیت افراد وقتی می‌تواند به مقدار بیشتری تحت تأثیر هوش آنها واقع شود که میزان هوش آنها در محدوده پایین‌تر از متوسط بوده باشد. یعنی هر چقدر یک فرد از درجه هوشی پایین‌تری برخوردار باشد، به همان اندازه ساختار شخصیت وی متأثر از وضعیت هوشش خواهد بود و این در حالی است که تمامی آزمودنی‌های پژوهش حاضر دانشجو بوده و از درجات هوشی بالاتر از متوسط برخوردار بودند. از طرف دیگر، چون دانشجویان مورد بررسی در بعد نوروژ- ثبات هیجانی در محدوده میانی این طیف (نوروژ - ثبات هیجانی) قرار داشتند، لذا غیره منتظره نیست که می‌بینیم بهره هوشی آنان با بعد نوروژ - ثبات هیجانی نیز رابطه ندارد (جدول ۲).

هرچند در یافته‌های پژوهش فعلی، برخی از عناصر دیدگاه دو تن از دانشمندان مشهور علوم رفتاری (یونگ و بویژه آیزنگ) را در ارتباط با بالا بودن توانایی‌های ذهنی برخی تیپ‌های شخصیتی به مناظره می‌طلبد، با این حال اظهار نظر و قضاوت نمودن درباره خصوصیات روانی و رفتاری افراد مستلزم بررسی‌های بیشتر بوده و اصولاً ما نمی‌توانیم در چنین مواردی تنها به اجرای یک آزمون هوش یا شخصیت اکتفا کنیم.

## تشکر و قدردانی

از تمامی عزیزانی که به نحوی در انجام این پژوهش ما را یاری نمودند، به ویژه آقایان جعفر معتمدنیا و دکتر علی وفایی، کمال تشکر را داریم.

**Abstract****Relationship Between IQ and Personality Types in Male and Female Students of Tabriz University and those of Tabriz University of Medical Sciences****Dr. Bagher Vafaiee.** Assistant Professor of Psychiatry**Hossein Dadashzadeh.** Clinical Psychologist, Department of Psychiatry

Psychologists have long been thinking about this issue that some personality types might have had higher IQs than other types: a conjecture not improbable for common sense. Eysenck, the eminent British Psychologist, described introvert people with higher IQs in comparison with extroverts. We followed two objectives in this study: (1) relationship between IQ and personality types and (2) gender – related correlation of the issue in 297 university students who were randomly selected from among the male and female students of two universities in Tabriz, Iran. Raven IQ test and Eysenck personality inventory were administered and both groups responded simultaneously. Tests were scored and t-test and chi-square were utilized for analysis. No significant relationship was found between IQ and Eysenck personality types (introversion – extroversion, neuroticism – emotion stability) among male and female students. Also, it was revealed that introverts and extroverts were not significantly different as for their mean IQ. Although the findings sound interesting, judging about behavioral and Psychological traits of human beings demand more extensive studies. Therefore, achieving a decisive conclusion, as a scientific principle, will be possible only with further research and spending sufficient time and control.

**Key Words:** IQ ; Personality Types ; University Students.

**منابع**

1. Atkinson R.L, Atkinson R.C, Smith E.E, Bem D.J, Hoeksema S.N, Smith C.D. Hilgard's introduction to psychology. 13ed. New York: Harcourt Inc 2000; PP. 419-483.
- ۲- سیاسی ع. نظریه های شخصیتی یا مکاتب روانشناسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۰. صص ۷-۹، ۱۰۳-۸۲ و ۸-۳۳۱.
3. Gelder M.G, Lopez-Ibor J.J, Andreasen N. New Oxford textbook of psychiatry, 1<sup>st</sup> ED. Oxford: Oxford University press 2000; PP. 919-922.
4. Pervin L.A. Personality, Theory and Research. 6ed. New York: John Wiley and Sons Inc 1993; PP. 147-149.
- ۵- گنجی ح. آزمون های روانی (مبانی نظری و عملی). چاپ چهارم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ صص ۳-۲۲۲.
- ۶- ماریات گ. راهنمای سنجش روانی. ترجمه پاشا شریفی ح. نیکخوم. ۱۳۷۹، چاپ دوم، تهران: انتشارات رشد.
- ۷- داداش زاده خ. بررسی اثر بخشی آموزش مهارت های اجتماعی، دارو درمانی و ترکیب این دو روش درمانی در زنان مبتلا به افسردگی اساسی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران، ۱۳۷۷.
8. <http://www.schuhfried.co.at/e/wts/spm.htm>. Raven's Standard Progressive Matrices (Spm) 2002.
9. Coon D.L. Essentials of psychology. 7 ED. Cole Publishing Co. A division of international Thomson Publishing Inc 1997; PP. 355-391.